

علیوردی نیا، اکبر و قهرمانیان، داریوش (۱۳۹۵). مطالعه جامعه‌شناختی رفتارهای انحرافی دانشجویان: کاربری نظریه انتخاب عقلانی، جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی ۳ (۸)، ۴۲-۹.



مطالعه جامعه‌شناختی رفتارهای انحرافی دانشجویان: کاربری نظریه انتخاب عقلانی

اکبر علیوردی نیا^۱ و داریوش قهرمانیان^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۲۷

چکیده

مراجعه به تحقیقات پیشین نشان دهنده شیوع قابل توجه رفتارهای انحرافی در میان دانشجویان می‌باشد. چهارچوب نظری پژوهش حاضر نظریه انتخاب عقلانی بوده و مدل ساختاری روابط بین متغیرها نیز بر مبنای آن تنظیم شده است. در نظریه انتخاب عقلانی از یک طرف تأکید بر منافع جرم و از طرف دیگر فرصت‌های جرم است که ترکیب این دو عامل با یکدیگر زمینه‌های وقوع جرم را مهیا می‌سازد. نظریه‌پردازان انتخاب عقلانی بر روی عوامل موقعیتی و هزینه‌ها و منافع ادراک شده از جرم به عنوان عوامل موثر بر انتخاب اهداف و تصمیم‌های مجرمانه تمرکز می‌کنند. روش تحقیق، پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه است، که در میان نمونه‌ای به حجم ۴۳۵ نفر از دانشجویان دانشگاه تبریز و با استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌بندی متناسب با حجم توزیع و گردآوری شده است. نتایج آزمون مدل معادلات ساختاری حاکی از برازش داده‌های مشاهده شده با مدل نظری تحقیق در کل نمونه می‌باشد. نتایج حاصل از تحقیق مبین این است که فرصت‌ها و نیاز منفعت‌گرایانه عامل اصلی رفتارهای انحرافی در میان دانشجویان می‌باشد. این دو عامل از طرف دیگر همان ویژگی‌های ساختاربنندی انتخاب است که راه‌کاری برای پیش‌گیری از وقوع جرایم و رفتارهای انحرافی عمل می‌کند. زیرا ویژگی‌های ساختاربنندی انتخاب نه تنها اطلاعاتی راجع به جرم را فراهم می‌کند، بلکه در مورد مجرم (نیازهایش، اولویت‌هایش، ویژگی‌های شخصیتی و ادراکاتش)، نیز اطلاعاتی در اختیار قرار می‌دهد.

کلید واژه‌ها: انتخاب عقلانی؛ رفتارهای انحرافی؛ فرصت؛ نیاز منفعت‌گرایانه.

^۱ استاد جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول) aliverdinia@umz.ac.ir
^۲ کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه مازندران gh.dariush69@gmail.com

۱- مقدمه و بیان مسأله

جامعه‌شناسان، رفتار انحرافی یا انحراف^۱ را به عنوان اعمال، باورها و خصیصه‌هایی که هنجارهای اجتماعی مورد قبول را نقض می‌کند و به احتمال زیاد با محکومیت، ننگ، انزوای اجتماعی، سرزنش و یا مجازات از طرف مخاطبان همراه است تعریف می‌کنند (گود و بن‌یهودا^۲، ۲۰۱۰: ۴). به عبارتی بهتر، انحراف برای اشاره به مجموعه‌ای از رفتارها، اعمال، نگرش‌ها، اعتقادات و سبک و وضعیت‌هایی که بر خلاف هنجارها، باورها و انتظارات جامعه بوده و در نتیجه با منع قانونی و قبح اخلاقی و اجتماعی روبرو می‌شود اطلاق می‌گردد (مک‌لافلین و مونسی^۳، ۲۰۱۲: ۸۹). دانشگاه‌ها نهادی تعیین کننده در زندگی دانشجویان و جامعه دانش‌بنیان^۴ به شمار می‌رود. دانشگاه‌ها نقشی اساسی در آموزش، تولید و ترویج دانش در جامعه بر عهده دارند. از کارکردهای دیگر این نهاد مهم می‌توان به اهمیت آن در پیشبرد و توسعه سرمایه انسانی^۵ اشاره کرد. ضمن آنکه این نهاد می‌تواند نقش استراتژی توسعه اقتصادی برای جوامع را نیز ایفا کند (بیکر^۶، ۲۰۱۵: ۹). از طرف دیگر دوران دانشجویی نیز به دلیل قرار گرفتن در بازه سنی حساس و همچنین وارد شدن آن‌ها در محیطی که آزادی بیشتری را در نتیجه کم شدن کنترل والدین بر روی آن‌ها نسبت به گذشته احساس می‌کنند، تاثیر مهمی در جامعه‌پذیری آن‌ها و همچنین آمادگی برای گرفتن نقش‌ها و موقعیت‌های اجتماعی متفاوت ایفا می‌کند.

با توجه به اهمیتی که دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و دانشجویان برای جامعه دارند، تحقیقات مختلفی در خصوص نوع و میزان شیوع رفتارهای انحرافی در میان دانشجویان صورت پذیرفته است. در مورد دانشجویان رفتارهای انحرافی نیز خود را به صورت مصرف انواع مواد مخدر و مشروبات الکلی، سرقت، وندالیسم^۷، پرخاشگری و خشونت، تقلب و انحرافات جنسی و ... نشان می‌دهد. در مورد هر یک از این رفتارها می‌توان شواهدی مبنی بر شیوع این رفتارها در میان دانشجویان یافت. برای مثال، یافته‌های حاصل از پژوهش‌های شیوع‌شناسی اعتیاد در ایران نشان داده است که آمار اعتیاد طی دو دهه اخیر در مورد برخی مواد با شیب ثابتی پیش

¹ Deviance

² Goode & Ben-Yehuda

³ McLaughlin & Muncie

⁴ Knowledge-based society

⁵ Human capital

⁶ Baker

⁷ Vandalism

رفته است. به گونه‌ای که آمار و ارقام ارائه شده در شیوع‌شناسی‌های مختلف نشان داده است که، بعد از سیگار و قلیان، بیشترین ماده مصرفی در میان دانشجویان الکل بوده است و پس از آن به ترتیب تریاک، حشیش، هروئین و سایر مواد در رتبه‌های بعدی قرار دارند (صرامی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹).

مطابق با نظریه انتخاب عقلانی، می‌توان رفتار انحرافی را در تعامل بین موقعیت و محیط افراد و ویژگی‌های روانی و شخصیتی آنان تبیین کرد. نظریه انتخاب عقلانی به عنوان یکی از شاخه‌های مکتب نئوکلاسیک رویکردی در برابر جرم ارائه می‌دهد که مطابق با آن جرم محصول تعامل محیط و ویژگی‌های روانی و شخصیتی مجرمان است. اساساً نظریه انتخاب عقلانی^۱ رفتارهای انحرافی را در تعامل بین ویژگی‌های جرم (جرم محور بودن)، و ویژگی‌های (مجرم محور بودن)، می‌داند. تحقیقات متعددی (پاترناستر، ۱۹۸۹؛ اگنیو، ۱۹۹۰؛ بکمن^۲ و همکاران، ۱۹۹۲؛ نی‌گین و پاترناستر، ۱۹۹۳؛ پاترناستر و سیمپسون، ۱۹۹۶؛ تیببتس و مایرز^۳، ۱۹۹۹؛ وایت^۴ و همکاران، ۲۰۰۴؛ بکر و مهکلپ^۵، ۲۰۰۶؛ ماتسودا^۶ و همکاران، ۲۰۰۶؛ بوفارد^۷، ۲۰۰۷؛ سایپل و ایفلر، ۲۰۰۸؛ پاترناستر و پوگارسکی^۸، ۲۰۰۹؛ بیکر و پی‌کیورو^۹، ۲۰۱۰؛ مهکلپ و گراف^{۱۰}، ۲۰۱۰)، در خصوص آزمون نظریه انتخاب عقلانی در تبیین طیف وسیعی از رفتارهای انحرافی صورت گرفته است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های نظریه انتخاب عقلانی این تحقیقات، نشانگر توانایی نظریه انتخاب عقلانی در تبیین این طیف گسترده از رفتارهای انحرافی بوده است. لذا پژوهش حاضر جهت تبیین رفتارهای انحرافی به آزمون نظریه انتخاب عقلانی در میان نمونه‌ای از دانشجویان دانشگاه تبریز می‌پردازد و اساساً در پی پاسخ به این سوال است که ابعاد مختلف نظریه انتخاب عقلانی تا چه میزان می‌توانند رفتارهای انحرافی در میان دانشجویان دانشگاه تبریز را تبیین کنند؟

¹ Rational Choice Theory

² Bachman

³ Tibbetts and Myers

⁴ Wright

⁵ Becker and Mehlkop

⁶ Matsueda

⁷ Bouffard

⁸ Pogarsky

⁹ Baker and Piquero

¹⁰ Mehlkop and Gaff

انتظار بر این است که نظریه انتخاب عقلانی به عنوان یکی از نظریه‌های نئوکلاسیک جرم‌شناسی بتواند تبیینی مناسب از رفتارهای انحرافی دانشجویان ارائه دهد. چرا که ویژگی جرم-محور ۱ و مجرم-محور ۲ بودن این نظریه ویژگی خاصی در مقایسه با دیگر نظریه‌های جرم‌شناسی به آن داده است که می‌تواند رفتارهای انحرافی را در رابطه با ویژگی‌ها و خصایص مجرمان از جمله انتخابگر بودن شخص مجرم و همچنین ویژگی‌های جرم مثل منافع و هزینه‌های جرم، تبیین کند. لذا می‌توان به آشکار بر خلاء تحقیقات پیشین داخلی به لحاظ نظری و تجربی پی برد. خلاء تجربی همانطور که به آن اشاره شد، نبود تحقیقاتی است که بتواند انواع رفتارهای انحرافی شناخته شده در میان دانشجویان را مورد بررسی قرار بدهد. خلاء نظری نیز از اینجا ناشی می‌شود که هر یک از تحقیقات انجام گرفته از نظریه‌هایی سود جسته‌اند که تنها به یکی از جنبه‌های نظریه انتخاب عقلانی اشاره دارند. نظریه‌هایی مثل خودکنترلی که در تحقیقات پیشین داخلی و خارجی به طور مستقل برای تبیین رفتارهای انحرافی مورد استفاده قرار گرفته بود به همان جنبه مجرم-محور بودن نظریه انتخاب عقلانی اشاره دارد که برای توضیح و تبیین رفتارها به ویژگی‌های افراد متوسل می‌شوند. نظریه‌های فشار عمومی اگنیو، پیوند اجتماعی هیرشی، یادگیری اجتماعی ایکرز، برچسب‌زنی، ناکامی منزلتی کوهن و فشار ساختاری مرتن از جمله نظریه‌هایی هستند که رویکردی در برابر جرم و رفتارهای انحرافی ارائه می‌دهند که مطابق با آن جرم را می‌توان محصول محیط زندگی افراد دانست. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که کمبود تحقیقات در حوزه بررسی رفتارهای انحرافی از دیدگاهی که بتواند این رفتارها را در تعامل بین محیط و ویژگی‌های روانی و شخصیتی افراد تبیین کند احساس می‌شود. لذا برای دستیابی به این هدف تحقیق حاضر در پی بررسی قابلیت میزان کاربرد پذیری نظریه انتخاب عقلانی در تبیین رفتارهای انحرافی در میان دانشجویان دانشگاه تبریز می‌باشد.

۲- پیشینه پژوهش

مراجعه به تحقیقات انجام شده در داخل کشور نشان می‌دهد که صرفاً تحقیق علیوردی‌نیا و همکاران، (۱۳۹۰) و علیوردی‌نیا و میرزایی (۱۳۹۵) با استفاده از چهارچوب نظری انتخاب عقلانی به بررسی برخی صور رفتارهای انحرافی در میان دانشجویان دانشگاه های ارومیه و تهران پرداخته است. بر خلاف تحقیقات داخلی، در خارج از کشور تحقیقات زیادی در پرتو

¹ Offence-Specific Crime

² Offender-Specific Crime

نظریه انتخاب عقلانی جهت تبیین رفتارهای انحرافی در میان دانشجویان صورت گرفته است. تحقیقات انجام گرفته در خارج از کشور که با استفاده از نظریه انتخاب عقلانی به تبیین رفتارهای انحرافی در میان دانشجویان پرداخته اند، نشان دهنده وجود نتایج متفاوت در این مورد می باشند. برای مثال پاترناستر و سیمپسون^۱ (۱۹۹۶)، نی گین^۲ و پاترناستر (۱۹۹۷)، بیکر و پی کیورو^۳ (۲۰۱۰)، ساتلر و همکاران^۴ (۲۰۱۳)، در تحقیقشان نتیجه گیری کرده اند که ادراک هزینه ها و منافع ارتکاب جرم، فرصت های در دسترس، ارزیابی های اخلاقی و خودکنترلی افراد تاثیر زیادی در گرایش افراد به ارتکاب رفتارهای مجرمانه دارند. با این حال، نتایج تحقیق مشابهی که بکمن و همکاران^۵ (۱۹۹۲)، انجام داده بودند نشان می دهد که اثر مجازات (رسمی و غیر رسمی)، بر روی ارتکاب رفتارهای مجرمانه ثابت نبوده است. به این معنا که، حتی در زمانی که پاسخگویان به وسیله ارزیابی های اخلاقی شان از شرکت در رفتارهای مجرمانه منع می شوند مجازات تاثیری برای شرکت در این رفتارها نداشته است. همچنین در تحقیقاتی که مک مولن^۶ (۱۹۹۱)، تیبیتس و مایرز^۷ (۱۹۹۹)، لگرانج و سیلورمن^۸ (۱۹۹۹)، فورد و بلومستاین^۹ (۲۰۱۲)، به بررسی تاثیر خودکنترلی بر روی رفتارهای انحرافی پرداخته بودند نتایج نشان داده می دهد که تاثیر خودکنترلی تنها زمانی معنادار است که دانشجویان از فرصت های بیشتری برای انجام رفتارهای انحرافی برخوردار باشند. در حالی که نتیجه تحقیق سان و لانگزل^{۱۰} (۲۰۰۸)، گیسیون همکاران^{۱۱} (۲۰۰۴)، نی گین و پاترناستر (۱۹۹۷)، بر عکس نتیجه ای بوده است که در تحقیقات قبلی بدست آمده بود.

۲-۱- چهارچوب نظری

نظریه انتخاب عقلانی که اساساً از مدل سودمندی مورد انتظار در اقتصاد^{۱۲} مشتق شده است، ابتدا بیشتر حول محور اقتصاد و آثاری چون، اقتصاد جدید جرم شناسی جامعه شناختی^۱ مک

¹ Paternoster & Simpson

² Negin

³ Baker & Piquero

⁴ Sattler & et a.

⁵ Bachman & et al

⁶ McMullen

⁷ Tibbetts & Myers

⁸ Lagrange & Silverman

⁹ Ford & Blumenstein

¹⁰ Sun & Longazel

¹¹ Gibson

¹²The expected utility model in economics

کارتی^۲ و اقتصاد جرم‌شناسی^۳ بکر^۴ مطرح شده بود (ایکرز^۵، ۱۹۹۰: ۶۵۳). در جامعه‌شناسی به ویژه با محبوبیت نظریه سرمایه اجتماعی^۶ انتخاب عقلانی به عنوان یک نظریه سطح فردی سازگار با نظریه‌های سطح کلان جذابیت یافت (ماتسودا^۷ و همکاران، ۲۰۰۶: ۹۵). در حوزه جرم‌شناسی^۸ نیز، نظریه انتخاب عقلانی به عنوان آخرین رهیافت نظریه عقلانی بیشتر با نام کورنیش و کلارک^۹ (۱۹۸۶ و ۱۹۸۷) شناخته می‌شود و بسیاری از جرم‌شناسان از جمله هیرشی^{۱۰} (۱۹۸۶) وجود دارند که حداقل بخشی از این دیدگاه را پذیرفته‌اند (ویلیامز و مک‌شین^{۱۱}، ۱۳۹۳: ۳۳۹). در حالی که کانون تحلیل رویکرد اثباتگرایی و نظریه کلاسیک در تبیین رفتار مجرمانه به ترتیب بر روی ویژگی‌های مجرم (که در آن علت جرم ناشی از نارسایی‌های فردی بوده نه از نوع‌گزینش فردی)، و عمل مجرمانه (که در آن علت جرم گزینش‌های فردی بوده)، می‌باشد. توجه نظریه انتخاب عقلانی به هر دو ویژگی‌های جرم و مجرم (جرم-محور و مجرم-محور)، این رویکرد را متفاوت‌تر از ریشه‌های کلاسیک و تئوری‌های بعدی جرم‌شناسی نشان داده است. به این معنا که بزهار^{۱۲} برای ارتکاب بزه^{۱۳} هم موقعیت تحقق بزه و احتمال به نتیجه رسیدن آن و هم توانایی‌ها و مهارت‌ها و نقاط ضعف خود را می‌سنجد (والش و همنس، ۲۰۱۰: ۷۷).

دو گزاره اصلی در نظریه انتخاب عقلانی وجود دارد که عبارتند از: (۱) افراد قبل از ارتکاب رفتار مجرمانه هزینه‌ها و عواقب جرم را سبک سنگین می‌کنند، (۲) و زمانی رفتار مجرمانه را انجام می‌دهند که پاداش‌های جرم بیش از هزینه‌های آن باشد (ویتو^{۱۴}، و همکاران ۲۰۰۵: ۶۷). ایده نظریه انتخاب عقلانی که در آن مردم منافع بالقوه ارتکاب جرم را در مقابل هزینه‌های احتمال آن سنجیده و عقلانی تصمیم‌گیری می‌کنند، برای سال‌های متمادی در بین

¹ New economics of Sociological Criminology

² McCarthy

³ Economics of Criminology

⁴ Becker

⁵ Akers

⁶ Social Capital

⁷ Matsueda

⁸ Criminology

⁹ Derek Cornish & Ronald Clarke

¹⁰ Travis Hirshi

¹¹ Williams and Mcshane

¹² Delinquency

¹³ Delinquent

¹⁴ Vito

جرم‌شناسان بی اعتبار شده بود. اما شروع موج جدیدی از تحقیقات در اواخر سال ۱۹۶۰ و اوایل سال ۱۹۷۰ (برای مثال کورنیش و کلارک، ۱۹۸۶؛ گیرکن و گاو^۱، ۱۹۷۵؛ گراسمیک و بوریسک^۲، ۱۹۹۰؛ استافورد و وارد^۳، ۱۹۹۳) نظریه‌پردازی درباره انتخاب عقلانی و رفتارهای مجرمانه به مثابه یک جریان ثابت و استوار ادامه یافت (تایتل^۴، ۲۰۰۰: ۶۳-۶۲). نظریه‌پردازان انتخاب عقلانی بر روی عوامل موقعیتی^۵ و هزینه‌ها و منافع ادراک شده از جرم به عنوان عوامل موثر بر انتخاب اهداف و به طور گسترده به تصمیم‌های مجرمانه تمرکز کرده‌اند (نی‌گین^۶ و پاترناستر، ۱۹۹۷: ۴۶۹). این نظریه‌پردازان بین دو نوع از تصمیم‌گیری تمایز قائل می‌شوند: تصمیمات درگیر شدن در جرم^۷ و تصمیمات حادثه‌ای جرم^۸. تصمیمات درگیر شدن آن‌هایی هستند که ضمن آن، در مورد اینکه باید در یک جرم درگیر شد، یک جرم را ادامه داد یا از یک جرم دست کشید، تصمیم گرفته می‌شود. این تصمیمات در برآورد هزینه‌ها و منفعت‌ها حالتی ابزاری دارند. نوع دیگر تصمیم‌گیری تصمیمات حادثه‌ای هستند یعنی تصمیماتی که در آن‌ها تاکتیک‌های اجرایی یک جرم (تقاضاها بر روی مجرم قرار دارد)، تعیین می‌شوند. اگر تاکتیک‌ها آسان باشند، تصمیم درگیر شدن، منفعت‌های بالقوه خود را از دست می‌دهد (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۹۳: ۳۳۹؛ همچنین نگاه کنید به ویتو و همکاران، ۲۰۰۷: ۶۷).

بر طبق این دیدگاه، رفتار قانون‌شکنانه زمانی اتفاق می‌افتد که یک مجرم، بعد از مورد نظر قرار دادن عوامل شخصی (مثل نیاز به پول، انتقام، هیجانات و سرگرمی)، و عوامل وضعیتی (کنترل و لیاقت نیروی پلیس محلی)، تصمیم به پذیرش خطر قانون‌شکنی می‌گیرد. قبل از ارتکاب جرم، استدلال مجرمانه به ارزیابی خطر دستگیری، شدت مجازات مورد انتظار، ارزش نهفته خطر جرم و نیاز فوری فرد برای سود حاصل از جرم صورت می‌پذیرد (سیگل^۹، ۲۰۰۱؛ به نقل از حسینی نثار و فیوضات، ۱۳۸۹: ۳۷). به بیان ساده‌تر مفهوم عقلانیت^{۱۰} و انتخاب عقلانی بر این اساس استوار است که مجرمان بعد از سبک سنگین کردن فرصت‌ها، هزینه‌ها و منافع

¹ Geerken & Gove

² Grasmick & Bursik

³ Stafford & Warr

⁴ Tittle

⁵ Situational factors

⁶ Negin

⁷ Criminal Involvement Decision

⁸ Criminal Event Decision

⁹ Siegel

¹⁰ Rationality

عمل خویش اقدام به ارتکاب جرم به منظور تأمین نیازهای خاص می‌کنند (سانگ و ریشر^۱، ۲۰۰۷: ۲). نظریه انتخاب عقلانی بیانگر آن است که ارتکاب رفتار مجرمانه، ناشی از انتخابی است که توسط مجرم انجام شده است. کسی که در صدد یک منفعت اقتصادی، جنسی یا سایر منافع مانند سوء استفاده و تحکم بر دیگران (مانند سوء استفاده از یک زن یا یک بچه)، ارضای نفس و تمایلات جسمی در استعمال مواد مخدر و مشروبات الکلی یا سایر لذایذ دنیوی مثلا داشتن یک سرگرمی یا جذابیت یا رسیدن به یک موقعیت در جامعه می‌باشد. بر اساس این نظریه سبب اولیه جرم جذب منفعت است نه آنچه در اکثر نظریه‌های جرم‌شناسی وضع نامساعد روانی یا اجتماعی تلقی می‌شود. این منفعت طلبی به عنوان یک وضعیت مستمر ممکن است توسط هر شخص وفادار به قانون در هنگام مواجهه شدن با مجموعه‌ای از فرصت و وسوسه، ظهور یابد (میر خلیلی، ۱۳۸۸: ۵۴).

به طور کلی کورنیش و کلارک نظریه انتخاب عقلانی یا نظریه کلاسیک جرم‌شناسی را در سه مسیر گسترش و اصلاح کردند. اول اینکه آن‌ها بر این باور بودند که همه افراد بخاطر برخورداری از یک سری محدودیت‌ها (محدودیت دستیابی به اطلاعات، محدودیت‌های زمانی و توانایی)، همیشه عقلانی تصمیم‌گیری نمی‌کنند. دوم اینکه از نظر آن‌ها مفهوم هزینه‌های جرم نه تنها شامل شدت مجازات‌های رسمی^۲ مثل زندانی کردن، بازداشت و سایر مجازات‌های دولت می‌باشد، بلکه شامل مجازات‌های غیر رسمی^۳ مثل تقبیح والدین و شرم و عواقب دیگری مثل از دست دادن شغل نیز می‌باشد. در نهایت کورنیش و کلارک استدلال می‌کنند که محاسبه افراد مختلف از سود و هزینه‌ها متفاوت است. در مقایسه با دیدگاه‌های نظری دیگر، آن‌ها ادعا می‌کنند که برآورد منافع و هزینه‌های جرم تحت تأثیر عواملی مانند، سطوح متفاوت خودکنترلی افراد، باورهای اخلاقی، وضعیت روحی و ارتباط با همالان بزهکار قرار دارد (بوهم و وگل^۴، ۲۰۱۰: ۱۸؛ کلارک و فلسون^۵، ۱۹۹۳: ۴۱).

۲-۱-۱- فرضیه‌های تحقیق:

- رفتارهای انحرافی تابعی منفی از پیوستگی است.
- رفتارهای انحرافی تابعی منفی از خودکنترلی است.

¹ Sung & Richter

² Formal Sanction

³ Informal Sanction

⁴ Bohm & Vogel

⁵ Clarke & Felson

- رفتارهای انحرافی تابعی منفی از باورهای اخلاقی است.
- رفتارهای انحرافی تابعی منفی از سرمایه‌گذاری است.
- رفتارهای انحرافی تابعی مثبت از فرصت‌های در دسترس است.
- رفتارهای انحرافی تابعی منفی از مجازات است.
- رفتارهای انحرافی تابعی مثبت از منفعت‌طلبی است.
- رفتارهای انحرافی تابعی مثبت از کنجکاوی-هیجانان است.

۳- روش تحقیق

در این تحقیق، از روش پیمایش و از طرح مقطعی استفاده شده است. واحد تحلیل در این پژوهش، فرد (دانشجو) و سطح تحلیل خرد است. جمعیت تحقیق پژوهش حاضر کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل دانشگاه تبریز در سال ۹۶-۹۵ می‌باشد. طبق آخرین آمار ارائه شده از سوی اداره آموزش دانشگاه، تعداد کل دانشجویان این دانشگاه ۱۵۸۳۳ نفر (۷۸۷۷ نفر مرد و ۷۹۵۶ نفر زن)، می‌باشد. نوع نمونه‌گیری تحقیق از نوع نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم می‌باشد. با توجه به برآورد دواس از حجم نمونه توسط پاره‌ای از ویژگی‌ها مثل همگنی جمعیت و میزان خطای نمونه‌گیری ۵ درصد، نمونه‌ای با حجم ۴۰۰ نفر برای جمع‌آوری اطلاعات مناسب می‌باشد (دواس^۱، ۱۳۹۳: ۹۷). لذا ۴۵۰ پرسشنامه میان دانشجویان توزیع گردید، که با کنار گذاشتن پرسشنامه‌های مخدوش در نهایت تعداد ۴۳۵ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۳-۱- تصریح مفاهیم و سنجش متغیرها

رفتارهای انحرافی^۲: رفتار انحرافی به عنوان اعمال، باورها و خصیصه‌هایی که هنجارهای اجتماعی مورد قبول را نقض می‌کنند و به احتمال زیاد با محکومیت، ننگ، انزوای اجتماعی، سرزنش و یا مجازات از طرف مخاطبان همراه است، تعریف می‌شود (گود و بن‌یهودا، ۲۰۱۰: ۴). در این تحقیق برای سنجش متغیر رفتارهای انحرافی ابعاد چهارگانه مصرف مواد و انحرافات جنسی (با ۹ گویه)، وندالیسم و سرقت (با ۵ گویه)، تقلب (با ۳ گویه)، و پرخاشگری (با ۴ گویه)، در نظر گرفته شده و در مجموع از ۲۱ گویه برای سنجش این متغیر مورد استفاده قرار

¹ De Vaus

² Deviant Behaviors

گرفته است. فرایند عملیاتی‌سازی این متغیر نیز بر مبنای تحقیق علیوردی‌نیا و یونسی (۱۳۹۳)، می‌باشد.

پیوستگی^۱: پیوستگی به صورت وابستگی و پیوند احساسی فرد با افراد و نهادهای اجتماعی تعریف می‌شود (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۹۳: ۲۹۶). در تحقیق حاضر سنجش مفهوم پیوستگی در دو بعد پیوستگی با مذهب و خانواده، بر مبنای پژوهش‌های پیشین صورت گرفته است (علیوردی‌نیا، ۱۳۸۸؛ کریستو و فرانسی^۲، ۱۹۹۵؛ دورن بوش^۳ و همکاران، ۲۰۰۱؛ اوزبای و اوزجان^۴، ۲۰۰۶؛ علیوردی‌نیا و پرایدمور، ۲۰۰۷). برای مثال از پاسخگویان میزان موافقت یا مخالفت خود را با گویه "از زندگی در کنار خانواده لذت می‌برم" که در یک طیف لیکرت پنج گزینه‌ای تنظیم شده بود، مشخص کنند.

خودکنترلی^۵: خودکنترلی به معنای توانایی کنترل کردن خود در برابر وسوسه‌های آنی می‌باشد (هیگنز و ریکتز^۶، ۲۰۰۴: ۷۷). بر مبنای تحقیق علیوردی‌نیا و همکاران (۱۳۹۴)، از شاخص فشرده شده مقیاس خودکنترلی گراسمیک و همکاران (۱۹۹۳)، که دارای شش گویه بود استفاده شده است. برای مثال در بعد ریسک‌پذیری از پاسخگویان خواسته شد تا میزان موافقت یا مخالفت خود را با گویه "من هر از چندگاهی دوست دارم خودم را با انجام کارهایی که کمی خطرناک است امتحان کنم" که در طیف لیکرت پنج گزینه‌ای مورد سنجش قرار گرفته بود اعلام کنند.

باورهای اخلاقی^۷: باور، اعتقاد فرد به هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین است (علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۴). سنجش و اندازه‌گیری متغیر باور بر اساس تحقیقات پیشین می‌باشد (علیوردی‌نیا، ۱۳۸۸؛ علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰؛ چری، ۱۹۹۹؛ علیوردی‌نیا و پرایدمور، ۲۰۰۷؛ مهکلپ و گراف^۸، ۲۰۱۰). در کل برای سنجش این مفهوم از ۶ گویه و در قالب طیف لیکرت که شامل گویه‌هایی نظیر "بیشتر مجرمین به خاطر اعمالشان سزاوار مجازاتند" استفاده شده است.

¹ Attachment

² Christo & Franey

³ Dornbusch

⁴ Özbay & Özcan

⁵ Self-control

⁶ Higgins and Ricketts

⁷ Moral Beliefs

⁸ Mehlkop & Graeff.

سرمایه‌گذاری: سرمایه‌گذاری میزانی از صرف زمان و انرژی است که فرد پیشتر در جامعه عادی انجام داده است (علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۳). فرایند عملیاتی‌سازی این متغیر نیز بر مبنای تحقیقات پیشین (پاترناستر، ۱۹۸۹؛ علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰)، بوده است. در مجموع از ۷ گویه در قالب طیف لیکرت پنج گزینه‌ای برای سنجش این مفهوم استفاده شده است. برای مثال از پاسخگویان خواسته شده تا میزان موافقت یا مخالفت خود را با گویه‌هایی نظیر "از نمرات درسی‌ام راضی هستم"، اعلام کنند.

مجازات تصویری (ادراکی) رسمی^۲ و غیر رسمی^۳: مجازات رسمی فرایندی است که دارای ضمانت اجرایی قانونی می‌باشد و منتهی به تضعیف و یا حذف رفتارهای مورد نظر می‌شود. مجازات‌های غیر رسمی نیز فرایندی است که فاقد ضمانت اجرایی قانونی است و منتهی به تضعیف و حذف رفتارهای مورد نظر می‌شود (والش و همسن، ۲۰۰۸: ۱۶۳). سنجش هر یک از این مفاهیم نیز بر مبنای تحقیقات پیشین (علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰؛ پاترناستر، ۱۹۹۰؛ نی‌گین و پاترناستر، ۱۹۹۳؛ پاترناستر و سمپسون، ۱۹۹۶؛ لی^۴ و همکاران، ۲۰۱۰؛ سایپل و ایفلر^۵، ۲۰۰۸)، بوده است. مثلاً در بعد مجازات رسمی از پاسخگویان خواسته شد تا میزان موافقت و یا مخالفت خود را با گویه "اگر مواد مخدر یا مشروبات الکلی مصرف کنم توسط حراست دانشگاه جلب یا تعلیق می‌شوم" اعلام کنند. همچنین بعد مجازات غیر رسمی نیز شامل گویه‌هایی نظیر "اگر روزی به خاطر دوستی با جنس مخالف و داشتن رابطه جنسی نامشروع دستگیر شوم خیلی احساس گناه و شرم می‌کنم" بود.

نیاز منفعت‌گرایانه^۶: احساس فقدان یا حرمانی است که در ارتباط کم و بیش با نیازها و امیال یک موجود زنده و مخصوصاً انسان دارای آگاهی به جهت آنکه در جریان تحقق اهدافش، خود را فاقد آن می‌بیند می‌باشد. این احساس موجب تمایل به هر آنچه می‌شود که امکان ارضای نیازها را فراهم می‌سازد (علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۲). مطابق با تحقیقات پیشین (علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰؛ سایپل و ایفلر، ۲۰۱۰؛ مهکلوپ و گراف، ۲۰۱۰). برای سنجش این متغیر نیز دو بعد ذهنی و عینی در نظر گرفته شده است. در مجموع از ۷ گویه

¹ Investment

² Perceived Formal Sanction

³ Perceived Informal Sanction

⁴ Li

⁵ Seipel & Eifler

⁶ Utilitarian Need

برای سنجش متغیر نیاز منفعت‌گرایانه استفاده شده است. به طور مثال از پاسخگویان خواسته شد تا میزان موافقت یا مخالفت خود را با گویه‌هایی مثل "بخاطر گرفتن نمره قبولی در امتحان تقلب می‌کنم" اعلام کنند.

کنجکاوی-هیجانان^۱: این مفهوم انجام رفتار بر اساس حوادث تحریک کننده را می‌رساند (علیوردی‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۵۲). سنجش این مفهوم نیز بر طبق تحقیقات پیشین (علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰؛ اگنیو، ۱۹۹۰)، بوده است. در مجموع از ۶ گویه در قالب طیف لیکرت شش گزینه‌ای که شامل گزینه "انجام نمی‌دهم" نیز بود برای سنجش این مفهوم استفاده شده است. از پاسخگویان خواسته شد تا میزان موافقت یا مخالفت خود را با گویه "مواد مخدر یا مشروبات الکلی را از روی کنجکاوی مصرف می‌کنم" و نظایر آن اعلام کنند.

۳-۲- اعتبار^۲ ابزار سنجش

برای بررسی اعتبار مقیاس متغیر وابسته از اعتبار سازه نظری استفاده شده است. آزمون تفاوت میانگین (آزمون T)، رفتارهای انحرافی بر حسب جنسیت نشان می‌دهد که میانگین تقلب علمی دانشجویان پسر بطور معناداری بیشتر از دانشجویان دختر می‌باشد. نتایج حاصل از آزمون تفاوت میانگین جنسیت در این پژوهش با یافته‌های تحقیقات پی‌کیورو و همکاران (۲۰۰۵)، علیوردی‌نیا و فهیمی (۱۳۹۳)، علیوردی‌نیا و خاکزاد (۱۳۹۲)، علیوردی‌نیا و صالح‌نژاد (۱۳۹۰)، هم‌راستا می‌باشد. برای بررسی اعتبار سازه تجربی مقیاس‌های نظریه انتخاب عقلانی از تحلیل عاملی تاییدی مرتبه اول استفاده شده است. بارهای عاملی بالا و معنی‌دار از مدل‌های اندازه‌گیری پیوستگی، خودکنترلی، باورهای اخلاقی، سرمایه‌گذاری، مجازات، نیاز منفعت‌گرایانه و کنجکاوی-هیجانان حاکی از مناسب بودن این مدل‌های اندازه‌گیری می‌باشند و در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱- نتایج تحلیل عاملی تاییدی مقیاس‌های نظریه انتخاب عقلانی

متغیرها	عامل‌ها	بار عاملی	T	شاخص‌های برازندگی مدل اندازه‌گیری
مدل اندازه‌گیری پیوستگی	عامل ۱	۰/۷۷	۲۰/۱۶	$\chi^2=17.00$ (P-value=0/07 df=10), RMSEA=04 NFI, NNFI, CFI, IFI>0/80
	عامل ۲	۰/۸۵	۲۲/۳۲	
	عامل ۳	۰/۷۸	۱۴/۹۰	

^۱ Curiosity/ Thrills

^۲ Validity

	۵/۸۸	۰/۳۹	عامل ۱	پیوند با خانواده	
	۵/۱۸	۰/۲۴	عامل ۲		
$\chi^2=3/85$ (P-value=0/57 df=5), RMSEA=0/000 NFI, NNFI, CFI, IFI>0/80	۵/۹۱	۰/۶۴	شتاب‌زدگی		مدل اندازه‌گیری خودکنترلی
	۴/۵۷	۰/۵۲	راحت‌طلبی		
	۲/۱۰	۰/۰۷	جسمانیت		
	۶/۵۸	۰/۵۲	خطرپذیر		
	۳/۶۹	۰/۳۲	خودمحوری		
	۵/۵۶	۰/۴۵	ابراز خشم		
$\chi^2=12/57$ (P-value=0/08 df=7), RMSEA=0/04 NFI, NNFI, CFI, IFI>0/80	۲۲/۶۴	۰/۹۵	عامل ۱		مدل اندازه‌گیری باورهای اخلاقی
	۱۸/۴۱	۰/۸۰	عامل ۲		
	۱۳/۲۴	۰/۶۱	عامل ۳		
	۷/۶۵	۰/۳۷	عامل ۴		
$\chi^2=14/00$ (P-value=0/44 df=14), RMSEA=0/001 NFI, NNFI, CFI, IFI>0/80	۱۱/۹۳	۰/۸۴	عامل ۱	تصوری (ادراکی)	مدل اندازه‌گیری سرمایه‌گذاری
	۴/۷۴	۰/۵۳	عامل ۱		
	۴/۱۶	۰/۴۱	عامل ۲		
	۹/۱۲	۰/۲۶	عامل ۳		
$\chi^2=25/83$ (P-value=0/05 df=16), RMSEA=0/03 NFI, NNFI, CFI, IFI>0/80	۲۰/۱	۰/۸۷	عامل ۱		مدل اندازه‌گیری فرصت
	۱۹/۸۱	۰/۸۷	عامل ۲		
	۱۲/۶۷	۰/۷۲	عامل ۳		
	۱۱/۶۰	۰/۷۲	عامل ۴		
$\chi^2=15/87$ (P-value=0/10 df=10), RMSEA=0/03 NFI, NNFI, CFI, IFI>0/80	۲۲/۳۲	۰/۸۴	عامل ۱	تصوری (ادراکی)	مدل اندازه‌گیری مجازات تصوری (ادراکی)
	۲۲/۴۰	۰/۸۵	عامل ۲		
	۲۴/۴۵	۰/۹۶	عامل ۳		
	۲۲/۱۳	۰/۸۳	عامل ۴		
$\chi^2=5/93$ (P-value=0/43 df=6), RMSEA=0/000 NFI, NNFI, CFI, IFI>0/80	۲۰/۰۱	۰/۸۱	عامل ۱		مدل اندازه‌گیری نیاز منفعت‌گرایانه
	۱۹/۸۱	۰/۶۹	عامل ۲		
	۱۸/۵۴	۰/۶۷	عامل ۳		
	۱۲/۶۷	۰/۶۳	عامل ۴		
$\chi^2=10/81$ (P-value=0/70 df=14), RMSEA=0/000 NFI, NNFI, CFI, IFI>0/80	۲۴/۴۴	۰/۹۲	عامل ۱		مدل اندازه‌گیری کنجکاوی- هیجانان
	۲۲/۹۰	۰/۹۲	عامل ۲		
	۲۰/۳۷	۰/۸۸	عامل ۳		
	۱۹/۴۳	۰/۸۶	عامل ۴		

۳-۳- پایایی ابزار سنجش

پایایی ابزار سنجش تحقیق حاضر با استفاده از محاسبه ضریب آلفای کرونباخ بررسی گردید که نتایج آن در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- ضرایب آلفای کرونباخ برای مقیاس پژوهش

مقیاس	تعداد گویه	ضریب آلفا
رفتارهای انحرافی	۲۱	۰/۸۵
پیوستگی	۸	۰/۷۸
خودکنترلی	۶	۰/۵۱
باورهای اخلاقی	۶	۰/۷۶
سرمایه‌گذاری	۷	۰/۷۸
فرصت	۹	۰/۸۱
مجازاتِ تصویری (ادراکی)	۷	۰/۸۵
نیاز منفعت‌گرایانه	۶	۰/۷۸
کنجکاوی-هیجانان	۷	۰/۹۳

بر اساس مقادیر جدول شماره ۲ میزان آلفا برای همه متغیرها بیانگر پایایی قابل قبول ابزار اندازه‌گیری است. با توجه به مقادیر بدست آمده برای ارزیابی پایایی مقیاس اندازه‌گیری، ضرایب آلفا برای تمامی متغیرها (به جز متغیر خودکنترلی با ضریب آلفای ۰/۵۱)، بالاتر از ۰/۷۰ و در حد قابل قبول می‌باشد. در بیشتر تحقیقات مفهوم خودکنترلی اساساً با استفاده از مقیاس ۲۴ گویه‌ای که توسط گراسمیک و همکارانش (۱۹۹۳)، ارائه شده است مورد استفاده قرار می‌گیرد. از آنجایی که در تحقیق حاضر استفاده از مقیاس کامل این متغیر به طولانی بودن پرسشنامه می‌انجامید، لذا مقیاس فشرده شده آن که متشکل از ۶ گویه بود، مورد استفاده قرار گرفت و احتمال می‌رود که میزان پایین ضریب آلفا برای متغیر خودکنترلی نیز ناشی از این امر می‌باشد.

¹ Reliability

۴- یافته‌های پژوهش

نتایج توصیف متغیرهای زمینه‌ای نشانگر این بوده است که ۲۰۴ نفر از پاسخگویان با ۴۶/۹ درصد را مردان و ۲۳۱ نفر با ۵۳/۱ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. علاوه بر این، نتایج نشان داد که بیشتر پاسخگویان در فاصله سنی ۲۱-۲۳ سال به تعداد ۱۷۶ نفر و با درصد ۴۰/۴ قرار دارند. کمترین فراوانی نیز مربوط است به گروه سنی ۲۹ به بالاتر که تعداد ۲۵ نفر از پاسخگویان را شامل می‌شود. میانگین سنی پاسخگویان مرد ۲۳/۷۷ سال، میانگین سنی پاسخگویان زن ۲۲/۱۶ سال و در نهایت میانگین سنی کل پاسخگویان نیز برابر با ۲۲/۹۱ سال بوده است. بیشترین پاسخگویان پژوهش حاضر را دانشجویان مقطع کارشناسی با ۶۶/۲ درصد تشکیل داده‌اند. کمترین فراوانی در میان پاسخگویان مقطع دکتری دیده می‌شود.

بیشترین میزان ارتکاب رفتارهای انحرافی به ترتیب برای بعد تقلب، پرخاشگری، وندالیسم و سرقت، مصرف مواد و انحرافات جنسی بدست آمده است. "تا به حال پیش آمده که به برگه امتحانی بغل دستی‌ام نگاه کنم" یکی از مصادیق بعد تقلب رفتارهای انحرافی است که بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. "تا به حال پیش آمده که نسبت به اطرافیانم فحاشی کرده‌ام" نیز از مصادیق بعد پرخاشگری است که بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. گویه‌های "تا به حال پیش آمده که بدون اجازه اطرافیانم، پول و یا وسیله آن‌ها را برداشته‌ام" از مصادیق سرقت و "در طول ۳۰ روز گذشته پیش آمده که سیگار کشیده‌ام" از مصادیق مصرف مواد و انحرافات جنسی است که بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۳- آزمون تفاوت میانگین رفتارهای انحرافی و ابعاد آن در بر حسب جنسیت

جنسیت		رفتارهای انحرافی و ابعاد آن	
دختر	پسر	میانگین	
۸	۱۰/۰۲	میانگین	مصرف مواد و انحرافات جنسی
۴/۱۳ (sig= ۰/۰۰۰)		T	
۵/۸۲	۷/۰۹	میانگین	وندالیسم و سرقت
۴/۳۳ (sig= ۰/۰۰۰)		T	
۷/۰۳	۸/۵۹	میانگین	تقلب
۳/۴۷ (sig= ۰/۰۰۱)		T	
۵/۶۹	۸/۵۹	میانگین	پرخاشگری و خشونت

۷/۰۴ (sig= ۰/۰۰۰)		T	
۲۸/۲۶	۳۶/۹۶	میانگین	رفتارهای انحرافی
۶/۹۷ (sig= ۰/۰۰۰)		T	

جدول ۳ نتایج آزمون T برای مقایسه تفاوت میانگین نمره متغیر رفتارهای انحرافی و ابعاد آن در میان دانشجویان پسر و دختر را نشان می‌دهد. نتایج آزمون T حاکی از این است که میانگین رفتارهای انحرافی و ابعاد آن در دو گروه تفاوت معنی‌داری باهم دارند. توجه به کیفیت این تفاوت معنی‌دار در بین دو گروه حاکی از این است که علاوه بر اینکه میانگین نمرات ابعاد رفتارهای انحرافی دانشجویان پسر بیش از دختران است این نتیجه در مورد شاخص کلی رفتارهای انحرافی نیز صادق است. بنابراین نتایج نشانگر این است که میزان کل رفتارهای انحرافی در میان پسران بیش از دختران می‌باشد.

آزمون فرضیه‌ها با استفاده از مدل معادلات ساختاری

در پژوهش حاضر برای ارزیابی مدل نظری و اطمینان از وجود یا عدم وجود رابطه علی میان متغیرهای تحقیق و بررسی برازش داده‌های مشاهده شده با مدل نظری پژوهش، فرضیه‌های پژوهش با استفاده از مدلیابی معادلات ساختاری به کمک نرم افزار لیزرل آزمون شدند. پژوهش حاضر دارای ۹ فرضیه بود و بعد از گرفتن تحلیل عامل تاییدی مرتبه اول با توجه به وجود همبستگی بالای بین متغیر مجازات رسمی و غیر رسمی این دو بعد با هم ادغام شدند و تعداد فرضیه‌های پژوهش به ۸ فرضیه تقلیل یافت.

ارزیابی نیکویی برازش مدل ساختاری پژوهش در کل نمونه

جدول ۵ نتایج حاصل از تحلیل برازش مدل و مقادیر شاخص‌های برازندگی را نشان می‌دهد. لازم به ذکر است که خروجی اولیه معادلات ساختاری دارای شاخص‌های برازندگی مناسبی نبود که برای مناسب‌تر کردن آن‌ها کواریانس بین خطاهای اندازه‌گیری در مدل لحاظ شد. در این قسمت شاخص‌های برازندگی برای کل نمونه در نظر گرفته شده است. جدول ۵ نتایج برازندگی و همچنین مقادیر مناسب شاخص‌های برازندگی برای پی بردن به برازش مدل را نشان می‌دهد.

جدول ۴- شاخص‌های برازندگی مدل تحقیق در کل نمونه

شاخص‌ها	مقادیر شاخص	ملاک پذیرش
جذربرآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA)	۰/۰۶۹	یا $RMSEA > 0/05$ $RMSEA > 0/08$
نسبت کای اسکوتر به درجه آزادی (X^2/df) .	۲/۷۵	۱-۲ و یا ۱-۳
شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۸۰	$GFI > 0-9$ برازش بسیار مطلوب $GFI > 0-8$ برازش مطلوب
شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI)	۰/۸۰	$AGFI > 0-9$ برازش بسیار مطلوب $AGFI > 0-8$ برازش مطلوب
شاخص برازش هنجار یافته (NFI)	۰/۹۰	بزرگتر از ۰/۹۰
شاخص برازش هنجار نیافته (NNFI)	۰/۹۰	بزرگتر از ۰/۹۰
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	۰/۹۱	بزرگتر از ۰/۹۰
شاخص برازش افزایش (IFI)	۰/۹۱	بزرگتر از ۰/۹۰

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل برازش مدل و با عنایت به شاخص‌های برازندگی می‌توان گفت که مدل ساختاری انتخاب عقلانی بر مبنای روابط متغیرها، ابعاد و شاخص‌های آن دارای برازش مناسب می‌باشد. مطابق با نتایج مندرج در جدول ۵ آماره کای اسکوتر با مقدار ۵۳۱۳ و درجه آزادی ۱۹۲۹ در سطح ۰/۰۰۰ معنی‌دار است که بایستی مقدار p -value برای کای اسکوتر پایین‌تر از ۰/۰۵ باشد. از آنجایی که آزمون کای اسکوتر به اندازه نمونه حساس است، به همین دلیل نمی‌توان به معنی‌دار شدن آن به منزله پذیرش فرضیه صفر تاکید کرد. لذا بایستی از نسبت کای اسکوتر به درجه آزادی استفاده کرد که مقدار آن بایستی بین ۱-۲ یا ۱-۳ باشد تا فرضیه صفر رد شود. در اینجا نیز نتایج تحلیل برازش حاکی از این است که مقدار کای اسکوتر به درجه آزادی برابر با ۲/۷۵ است که میزان قابل قبولی برای رد فرضیه صفر می‌باشد. شاخص مهم دیگری که برای بررسی برازش مدل بکار گرفته می‌شود، جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) است که ملاک پذیرش این آماره برای برازش مدل مقدار کمتر از ۰/۰۵ یا ۰/۰۸ است. با توجه به اینکه مقدار RMSEA برای این مدل با مقدار ۰/۰۶۹ و پایین‌تر از ۰/۰۸ است لذا نشان دهنده برازندگی مطلوب مدل است. از شاخص‌های مهم دیگر برای ارزیابی برازش مدل NFI؛ NNFI؛ CFI و IFI است که مقادیر قابل قبول آن‌ها برای رد فرضیه صفر مقادیر بالاتر از ۰/۸۰ یا ۰/۹۰ است. نتایج حاصل از آزمون برازندگی نشان دهنده

مقادیر قابل قبولی برای این شاخص‌ها است و می‌توان گفت که مدل با داده‌ها برازش مناسب و مطلوبی دارد.

نتایج آزمون مدل ساختاری تحقیق در کل نمونه:

جدول ۵- مقادیر برآورد شده مدل معادلات ساختاری در کل نمونه

R ²	آماره T-VALUE	ضرایب استاندارد شده	مسیر
۰/۳۳	-	۰/۰۱	رفتارهای انحرافی پیوستگی
	۰/۲۷	۰/۰۲	رفتارهای انحرافی خودکنترلی
	۰/۷۹	۰/۰۴	رفتارهای انحرافی باور
	-۲/۷۶*	-۰/۱۱	رفتارهای انحرافی سرمایه‌گذاری
	۵/۶۵*	۰/۳۲	رفتارهای انحرافی فرصت
	-۱/۲۲	-۰/۰۲	رفتارهای انحرافی مجازات
	۳/۸۴*	۰/۱۹	رفتارهای انحرافی منفعت‌طلبی
	۲/۶۳*	۰/۱۳	رفتارهای انحرافی کنجکاوی-هیجانان

*مقدار قدر مطلق t-value بزرگتر از ۱/۹۶ معنادار است.

جدول ۶ نتایج مربوط به اثرگذاری هر یک از متغیرهای مستقل پژوهش بر روی رفتارهای انحرافی را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود مقادیر برآورد شده استاندارد از مدل نشان می‌دهد که متغیر فرصت با ضریب ۰/۳۲ دارای بیشترین تاثیر بر روی متغیر رفتارهای انحرافی است. مقدار t-value برای این متغیر برابر با ۵/۶۵ است که از لحاظ آماری معنی‌دار بوده و به معنای رد فرضیه صفر در رابطه بین این دو متغیر می‌باشد. به این معنا که فرضیه خلاف ما مبنی بر اینکه "رفتارهای انحرافی تابعی مثبت از فرصت‌های در دسترس است" تایید می‌شود. یافته‌های حاصل از مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان می‌دهد که متغیر منفعت‌طلبی با ضریب ۰/۱۹ بعد از متغیر فرصت دارای بیشترین ضریب تاثیر بر روی رفتارهای انحرافی است که این تاثیر نیز در سطح ۳/۸۴ معنی‌دار بوده و به معنای تایید فرضیه "رفتارهای انحرافی تابعی مثبت از منفعت‌طلبی است" می‌باشد. همچنین نتایج مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان دهنده این است که متغیر کنجکاوی-هیجانان با ضریب تاثیر ۰/۱۳ در مرتبه سوم قرار گرفته است. مقدار t برای این متغیر برابر با ۲/۶۳ است که بالاتر از ۱/۹۶ بوده و معنی‌دار می‌باشد. بنابراین فرضیه خلاف ما مبنی بر اینکه "رفتارهای انحرافی تابعی مثبت از کنجکاوی-هیجانان است" تایید می‌شود. یافته‌های تحقیق برای متغیر سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد که این متغیر

با ضریب تاثیر ۰/۱۱- بعد از سه متغیر فرصت، منفعت‌طلبی و کنجکاوی-هیجانان دارایی بیشترین ضریب تاثیر بر روی متغیر وابسته می‌باشد. مقدار t برای این متغیر برابر با ۲/۷۶- است که نشان می‌دهد این تاثیر معنادار است. نتایج مدل‌یابی معادلات ساختاری در مورد رابطه این دو متغیر حاکی از تایید فرضیه خلاف مبنی بر این که "رفتارهای انحرافی تابعی منفی از سرمایه‌گذاری است" می‌باشد. اثر متغیرهای پیوستگی، خودکنترلی، باور و مجازات با توجه به مقدار t آن‌ها که کمتر از ۱/۹۶ است معنی‌دار نیست. متغیر پیوستگی دارای ضریبی به اندازه ۰/۰۱ از کمترین ضریب برخوردار است. لذا در مورد این متغیرها و رابطه‌شان با متغیر وابسته، یافته‌های حاصل از مدل‌یابی معادلات ساختاری حاکی از تایید فرضیه صفر می‌باشد. در نهایت داده‌های حاصل از مدل معادلات ساختاری نشان‌دهنده این است که ۳۳ درصد ($R^2=0/۳۳$)، از تغییرات متغیر رفتارهای انحرافی توسط مدل ساختاری نظریه انتخاب عقلانی تبیین شده است.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نوع و میزان شیوع رفتارهای انحرافی در میان دانشجویان دانشگاه تبریز تدوین شده است. چهارچوب نظری پژوهش حاضر نظریه انتخاب عقلانی بوده که از جمله نظریه‌های نئوکلاسیک جرم‌شناسی برای تبیین جرم و رفتارهای انحرافی به شمار می‌رود. در پژوهش حاضر فرضیه‌های آزمون شده نیز بر اساس نظریه انتخاب عقلانی تدوین شده است، که شامل یک فرضیه اصلی و نه فرضیه فرعی است. متغیر مجازات تصویری (ادراکی) با توجه به این که از دو بعد مجازات تصویری (ادراکی) رسمی و مجازات تصویری (ادراکی) غیر رسمی تشکیل شده بود، در مرحله تحلیل عامل تاییدی مرتبه اول در هم ادغام شدند^۲ و تعداد فرضیه‌های پژوهش به هشت فرضیه تقلیل یافت. در نهایت با استفاده از مدل معادلات ساختاری به فرضیه‌های پژوهش مورد آزمون قرار گرفت، که در ذیل به تبیین نظری فرضیه‌ها پرداخته می‌شود.

فرضیه اول تحقیق این بود که "رفتارهای انحرافی تابعی منفی از پیوستگی است". به این معنی که اگر میزان قدرت پیوستگی‌های فردی به افراد مهم دیگر (مثل والدین، دوستان و نقش‌های مدل)، و یا نسبت به نهادها (مدرسه و باشگاه)، بیشتر باشد این امر می‌تواند مانع

^۲- اصولاً انتظار بر این است که عامل‌ها مستقل از همدیگر باشند. با توجه به اینکه قدر مطلق همبستگی بین این دو عامل نیز برابر با ۰/۴۴ و با مقدار t بالاتر از ۱/۹۶ معنی‌دار بود لذا این دو عامل با همدیگر ادغام شدند تا علاوه بر اینکه مدل خروجی از برازش مطلوبتری برخوردار شود از شلوغ بودن مدل ساختاری نیز جلوگیری به عمل آید.

انحراف شود (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۹۳: ۲۹۳). نتایج مدل معادلات ساختاری در رابطه این متغیر با رفتارهای انحرافی نشان از رد فرضیه خلاف و تایید فرضیه صفر بوده است. نتیجه پژوهش برای این فرضیه بر خلاف انتظارات نظری و همچنین تحقیقات پیشین (سراج‌زاده و فیضی، ۱۳۸۶؛ سراج‌زاده و پویافر، ۱۳۸۷؛ علیوردی‌نیا، ۱۳۹۳؛ علیوردی‌نیا و همتی، ۱۳۹۲)، است. یک دلیل روشی که برای رد فرض خلاف می‌توان آورد این است که احتمالاً سایر متغیرهای وارد شده در مدل معادلات ساختاری از ضرایب تاثیر بیشتری برخوردار هستند که تاثیر این متغیر را خنثی ساخته است. چرا که نتایج آزمون رابطه‌ای در مورد رابطه بین متغیر پیوستگی و رفتارهای انحرافی نشان داد که یک رابطه معنی‌دار و با شدت $0/۲۶$ بین این دو متغیر وجود دارد.

فرضیه دوم پژوهش بیان می‌کند که "رفتارهای انحرافی تابعی منفی از خودکنترلی است". نتیجه مدل ساختاری انتخاب عقلانی نشان داده است که این متغیر با ضریب تاثیر ناچیز ($0/۰۲$)، و همچنین t کمتر از $۱/۹۶$ معنی‌دار نیست. از طرف دیگر این تاثیر معکوس نبوده است. بنابراین فرضیه صفر ما تایید می‌شود و فرضیه خلاف پژوهش مبنی بر وجود رابطه معکوس بین این دو متغیر رد می‌شود. گانفردسن و هیرشی صاحب‌نظران نسخه معروف نظریه خودکنترلی اذعان کرده‌اند که این رابطه به طور غیر قطعی تئوریزه شده است، به این معنی که خودکنترلی پایین همیشه به تولید جرم نمی‌انجامد و ممکن است موقعیت‌های زیادی تاثیر بالقوه‌ای در ایجاد جرایم و رفتارهای انحرافی داشته باشند (تایتل و همکاران، ۲۰۰۳: ۳۳۴). تحقیقات انجام گرفته در مورد تاثیر خودکنترلی بر رفتارهای انحرافی نیز نتایج ضد و نقیضی به دست داده است. با این حال نتیجه پژوهش حاضر در مورد این فرضیه با تحقیقات پیشین همسو (مک‌مولن، ۱۹۹۱؛ تیبتس و مایرز، ۱۹۹۹؛ لگرانج و سیلورمن، ۱۹۹۹؛ فورد و بلومنستاین، ۲۰۱۲)، می‌باشد. خودکنترلی به عنوان یکی از مفاهیم نظریه انتخاب عقلانی به شمار می‌رود. مطابق با این نظریه رفتارهای انحرافی به احتمال زیاد هنگامی رخ می‌دهد که فرصت‌های کافی نیز در اختیار مجرمان فراهم باشد. به عبارتی دقیق‌تر فردی با خودکنترلی پایین از فرصت‌های کافی برای ارتکاب جرم برخوردار باشد (کروهن و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۶۱). توجه به نتایج توصیفی در پژوهش حاضر برای متغیر فرصت نشان دهنده این امر است که تنها ۱/۱ درصد از پاسخگویان از فرصت‌های کافی برای ارتکاب رفتار مجرمانه برخوردار بوده‌اند. در رد فرضیه خلاف پژوهش حاضر در مورد رابطه بین خودکنترلی و رفتارهای انحرافی می‌توان به نبود فرصت‌های در دسترس برای پاسخگویان اشاره کرد. چرا که مطابق با این نظریه اگر فردی

از فرصت‌های بیشتری برای ارتکاب جرم برخوردار باشد در نهایت مرتکب شدن رفتارهای مورد نظر را سودمندتر دیده و به سوی رفتارهای انحرافی سوق پیدا می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که در پژوهش حاضر تاثیر خودکنترلی تنها زمانی بر رفتارهای انحرافی معنی‌دار خواهد بود که دانشجویان از فرصت‌های کافی برخوردار شوند. تحقیق فور و بلومنستاین (۲۰۱۲)، نیز همین نتیجه را به دست داده بود.

فرضیه سوم پژوهش بیان می‌دارد که "رفتارهای انحرافی تابعی منفی از باورهای اخلاقی است". باور، اعتقاد فرد به هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین است. هر چه اعتقاد در فرد قوی‌تر باشد، کمتر احتمال دارد که به عمل بزهکارانه روی آورد و هر چه این اعتقاد در فرد ضعیف‌تر باشد احتمال هنجار شکنی از سوی او بیشتر است (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۹۳: ۲۹۶). این فرضیه نیز در پژوهش حاضر رد شده است. نتیجه مدل معادلات ساختاری در مورد این فرضیه نیز بر خلاف انتظارات نظری بوده است. این فرضیه در تحقیقات پیشین (دورکین و همکاران^۳، ۱۹۹۹؛ پاترناستر و سیمپسون، ۱۹۹۶؛ ساتلر و همکاران، ۲۰۱۳؛ سیلوا و ایبل، ۲۰۱۶؛ علی‌وردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰)، تایید شده است. نفوذهای تنظیم‌گری از قبیل هنجارها و قوانین و باور افراد به آن‌ها را می‌توان بر طبق این نظریه عاملی بازدارنده در وقوع رفتارهای انحرافی دانست. لذا می‌توان ادعا کرد که توجه به معنی‌دار بودن اثرات متغیرهای فرصت‌های در دسترس، منفعت‌طلبی و کنجکاوی-هیجانان که در ادامه بحث به آن‌ها اشاره خواهد شد، اعتقاد افراد به هنجارهای اجتماعی و باور به قوانین با توجه به اصول "فرصت دزد به وجود می‌آورد" و "سومندی مورد انتظار ذهنی"^۴ نفوذ و تاثیر خود را در جهت جلوگیری از وقوع رفتارهای انحرافی از دست می‌دهند. به عبارتی بهتر پاسخگویان تحقیق حاضر ارتکاب رفتارهای انحرافی را جذاب‌تر یافته و کمتر به ارزیابی‌های اخلاقی مبنی بر قانونی یا غیر قانونی بودن و همچنین درست یا نادرست بودن این رفتارها می‌پردازند. به این معنا که سودمند دیدن ارتکاب رفتارهای انحرافی، وجود محرک‌های درونی از قبیل کنجکاوی-هیجانان و از همه مهمتر وجود فرصت‌های کافی پاسخگویان تحقیق حاضر را از این ارزیابی‌ها باز می‌دارد و در نتیجه مرتکب رفتارهای انحرافی می‌شوند.

فرضیه چهارم پژوهش حاضر عبارت بود از اینکه "رفتارهای انحرافی تابعی منفی از سرمایه‌گذاری است". نتایج مدل ساختاری نظریه انتخاب عقلانی در تایید این فرضیه بوده است.

³ Durkin & et al.

⁴ Subjective Expected utility.

طبق نظریه انتخاب عقلانی برای تحقیق حاضر این نتیجه را می‌توان استنباط کرد که هر چه میزان سرمایه‌گذاری دانشجویان بیشتر باشد احتمال درگیری کمتری در رفتارهای انحرافی وجود دارد. اهمیت کارهایی که فرد بر عهده دارد و همچنین موقعیت اجتماعی‌ای که آن‌ها کسب کرده‌اند در حقیقت مانع از بروز رفتارهای انحرافی می‌گردد. طبق نظریه انتخاب عقلانی عوامل موقعیتی و هزینه‌ها و منافع ادراک شده از جرم هستند که به عنوان عوامل موثر بر انتخاب اهداف و به طور گسترده به تصمیم‌های مجرمانه عمل می‌کنند (نی‌گین و پاترنوستر، ۱۹۹۷: ۴۶۹). به طور کلی دو گزاره اصلی در نظریه انتخاب عقلانی وجود دارد که عبارتند از: (۱) افراد قبل از ارتکاب رفتار مجرمانه هزینه‌ها و عواقب جرم را سبک سنگین می‌کنند، (۲) و زمانی رفتار مجرمانه را انجام می‌دهند که پاداش‌های جرم بیش از هزینه‌های آن باشد (ویتو و همکاران، ۲۰۰۵: ۶۷). اهمیت تحصیل و همچنین دستیابی به شغل مطلوب برای پاسخگویی که در این پژوهش شرکت داشته‌اند جزء سرمایه‌های آنان محسوب می‌شود و به دلیل اهمیت این سرمایه‌ها هستند که دانشجویان مرتکب رفتارهای انحرافی نمی‌شوند چرا که در غیر این صورت، هزینه سنگینی را بابت ارتکاب رفتارهای انحرافی خواهند پرداخت. نتایج پژوهش حاضر برای این فرضیه مطابق با انتظارات نظری بوده است.

فرضیه پنجم پژوهش بیان می‌دارد که "رفتارهای انحرافی تابعی مثبت از فرصت‌های در دسترس است". نتیجه مدل ساختاری پژوهش حاضر نیز در تایید این فرضیه بوده است. نتیجه بدست آمده در مورد این فرضیه همانطور که نظریه انتخاب عقلانی نیز بیان می‌داشت مورد تایید قرار گرفت که مطابق با انتظارات نظری است. چرا که طبق دیدگاه نظریه انتخاب عقلانی صرف وجود یک مجرم برانگیخته باعث وقوع جرم نمی‌شود بلکه بایستی یک سری موقعیت‌ها و فرصت‌هایی نیز برای وقوع جرم مهیا باشد (گرت و سانتانا^۵، ۲۰۱۰: ۲۰۴). به طور کلی تمرکز نظریه انتخاب عقلانی بر این نکته است که فرصت علت اساسی و ریشه‌ای جرم می‌باشد. بنابراین مطابق با این نظریه، کاهش فرصت‌ها که یک نوع پیشگیری موقعیتی، قبل از اینکه جرم رخ بدهد به شمار می‌رود می‌تواند به کاهش وقوع جرایم کمک کند (فلسون و کلارک، ۱۹۹۸: ۱۰-۸). تردیدی نیست که هر چه فرصت‌های ارتکاب جرم در دسترس فرد قرار بگیرد، آنگاه مجرم، منافع حاصل از جرم را سهل الوصول و سودمند دیده و در نهایت اقدام به ارتکاب اعمال مجرمانه می‌کند (کلارک، ۲۰۰۳: ۴۷-۴۶). علاوه بر این در تحقیقات پیشین (نی‌گین و

⁵ Guerette & Santana.

پاترناستر، ۱۹۹۷؛ لانقشر^۶، ۱۹۹۸؛ لگرانج و سیلورمن، ۱۹۹۹؛ سایپل و ایفلر، ۲۰۱۰؛ فورد و بلومنستاین، ۲۰۱۲؛ ساتلر و همکاران، ۲۰۱۳؛ علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰؛ رضایی و صنوبری، ۱۳۹۲)، نیز این فرضیه مورد تایید قرار گرفته بود.

فرضیه ششم پژوهش حاضر عبارت بود از اینکه "رفتارهای انحرافی تابعی منفی از مجازات (تصوری-ادراکی)، است". طبق نظریه انتخاب عقلانی حسابگری منطقی از رنج مجازات‌ها انگیزه جرم را تعدیل کرده و از این طریق از اعمال مجرمانه جلوگیری می‌کند (ایکرز، ۱۹۹۰: ۶۵۴). مطابق با تئوری انتخاب عقلانی، مجرمان هزینه‌ها و منافع گوناگون را قبل از تصمیم‌گیری درباره ارتکاب جرم محاسبه می‌کنند. مجازات نیز به عنوان یکی از اشکال هزینه‌ای دریافتی است که در نظریه انتخاب عقلانی مطرح است. و هر چه این هزینه‌ها بیشتر باشد احتمال ارتکاب رفتارهای انحرافی کمتر خواهد بود (ویتو و همکاران، ۲۰۰۷: ۶۷). نتیجه تحقیق حاضر در رد این فرضیه بوده است. در تحقیقی که بکمن و همکاران (۱۹۹۹)، نیز به انجام رسانیده بودند اثر مجازات بر روی رفتارهای انحرافی ثابت نبوده است. محققان در تحقیقشان به این نتیجه رسیده بودند که وقتی مجرمان به وسیله باورهای اخلاقی از شرکت در جرایم جنسی منع می‌شدند، مجازات تاثیری بر روی رفتارهای انحرافی نداشته است. علاوه بر این در تحقیق پاترناستر (۱۹۸۹)، اثر متغیرهای بازدارندگی از جمله مجازات در قالب مدل انتخاب عقلانی غیر شفاف بوده است. یعنی شدت ادراک شده از مجازات هیچ تاثیری بر روی رفتارهای مجرمانه نداشته و این قطعیت مجازات بوده که فقط یک اثر جزئی و ضعیف بر روی برخی از رفتارهای مجرمانه داشته است. در تحقیقات داخلی نیز نتایج تحقیق علیوردی‌نیا و همکاران (۱۳۹۰)، این فرضیه رد شده بود. با این حال تحقیقاتی نیز بودند که فقط با استفاده از برخی از جنبه‌های نظریه انتخاب عقلانی به آزمون این نظریه پرداخته بودند و نتایج این تحقیقات در تایید این فرضیه که "مجازات رفتارهای انحرافی را تحت تاثیر قرار می‌دهد" بوده است. برای مثال تحقیق پاترناستر و سیمپسون (۱۹۹۶)، نشان داده بود که مدل تئوریک جرایم سازمانی و سیاست‌گذاری‌های عمومی در رابطه با پیشگیری از وقوع جرم بایستی شامل دو عنصر باورهای اخلاقی و تهدید به مجازات باشد.

فرضیه هفتم پژوهش عبارت بود از اینکه "رفتارهای انحرافی تابعی مثبت از منفعت‌طلبی است". نتایج مدل ساختاری پژوهش حاضر در تایید این فرضیه بوده است. کورنیش و کلارک مدل انتخاب عقلانی را اساساً یک تئوری سودمندی مورد انتظار ذهنی بشمار می‌آورند. در این

⁶ Longshore.

آموزه فرض بر این است که، مردم در تصمیم‌گیری‌هایشان سعی در به حداکثر رساندن لذایذ و به حداقل رساندن رنج‌هایشان می‌باشند (شومیکر^۷، ۲۰۰۹: ۶۴). بر اساس این نظریه سبب اولیه جرم جذب منفعت است نه آنچه در اکثر نظریه‌های جرم‌شناسی وضع نامساعد روانی یا اجتماعی تلقی می‌شود. این منفعت‌طلبی به عنوان یک وضعیت مستمر ممکن است توسط هر شخص وفادار به قانون در هنگام مواجهه شدن با مجموعه‌ای از فرصت و وسوسه ظهور یابد (میر خلیلی، ۱۳۸۸: ۵۴). همانطور که گفته شد، صرف وجود یک مجرم برانگیخته باعث ارتکاب جرم نمی‌شود چرا که بایستی یک سری شرایط زمینه‌ساز و فرصت‌های ارتکاب جرم نیز وجود داشته باشد تا جرم اتفاق بیفتد (گرت و سانتانا، ۲۰۱۰: ۲۰۴). و در صورت وجود چنین فرصت‌هایی مجرم منافع حاصل از جرم را سودمند دیده و مرتکب آن می‌شود (کلارک، ۲۰۰۳: ۴۷-۴۶). بنابراین می‌توان گفت که علاوه بر وجود فرصت‌های جرم و رفتارهای انحرافی که یکی از عوامل اصلی وقوع این رفتارها است، منفعت‌طلبی نیز در وقوع رفتارهای انحرافی نقشی اساسی دارد. چرا که برای افراد در یک موقعیت مناسب چنانچه منافع حاصل از ارتکاب رفتارهای مجرمانه بیش از هزینه‌های ارتکاب آن باشد، این افراد تمایل بیشتری را به ارتکاب این رفتارها نشان خواهند داد. در تحقیقات پیشین (بوفارد^۸، ۲۰۰۷؛ نی‌گین و پاترناستر، ۱۹۹۷؛ بیکر و پی‌کیورو، ۲۰۱۰؛ ساتلر و همکاران، ۲۰۱۳؛ علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰)، این فرضیه تایید شده بود. فرضیه هشتم پژوهش بیان می‌دارد که "رفتارهای انحرافی تابعی مثبت از کنجکاوی-هیجانان است". این فرضیه نیز مورد تایید قرار گرفت. کنجکاوی-هیجانان انجام رفتارها را بر اساس حوادث تحریک کننده می‌داند (والش و همنس، ۲۰۰۸؛ ۲۴۹). در پژوهش حاضر این متغیر با توجه در رابطه با گویه‌هایی مورد سنجش قرار گرفتند که انجام رفتار از روی این تعریف برداشت می‌شد. رویکرد انتخاب عقلانی نیز دیدگاهی را برمی‌گزیند که در آن جرم به عنوان رفتاری عمدی و سنجیده تلقی می‌شود که به منظور نیل به منافع بزهکار ارتکاب می‌یابد. انگیزه‌های معمولی انسان از قبیل ارضای نیازهای جنسی، هیجان، استقلال، تشویق، انتقام، کنترل، کاهش تنش و دستیابی به اموال از جمله مواردی است که منافع جرم را تشکیل می‌دهند (ورتلی و مازرول^۹، ۱۳۹۲: ۵۰). نتیجه پژوهش حاضر برای این فرضیه هم‌راستا با تحقیقی بود که علیوردی‌نیا و همکاران (۱۳۹۰)، به انجام رسانیده بودند.

⁷ Shoemaker.

⁸ Bouffard.

⁹ Wortley & Mazerolle

نتایج تحقیقات انجام گرفته در خارج از کشور برای برخی از ابعاد این نظریه پشتیبانی تجربی فراهم کرده بود و همانطور که اشاره شد برخی از تحقیقات نیز نتایج نقیضی را ارائه داده بودند. در پژوهش حاضر نتایج مدل ساختاری انتخاب عقلانی برای کل نمونه نشان داد که از میان متغیرهای وارد شده در مدل تاثیر چهار متغیر سرمایه‌گذاری، فرصت‌ها، منفعت‌طلبی و کنجکاوای هیجانات معنی‌دار بوده است. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که نظریه انتخاب عقلانی توانایی تبیین رفتارهای انحرافی در میان دانشجویان دانشگاه تبریز را داشته است. توجه به ضریب تبیین برآورد شده (۳۳ درصد برای کل نمونه)، نشان دهنده این ادعا می‌باشد.

دلالت‌های سیاستی نظریه انتخاب عقلانی در پیشگیری از رفتارهای انحرافی

کورنیش و کلارک در بحث خود از نظریه انتخاب عقلانی بر این عقیده‌اند که هر شکل از جرم، ارائه‌کننده ویژگی‌های ساختاربندی انتخاب است که ترکیب دو عامل در دسترس بودن و جذابیت می‌تواند برخی از افراد را در برخی از موقعیت‌ها فراخواند (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۹۳: ۳۴۰). نظریه انتخاب عقلانی در مورد ارتکاب رفتارهای مجرمانه به تشریح انگیزه‌های مجرم به عنوان تلاشی برای رفع نیازهای عادی نگاه می‌کند. به عبارتی کورنیش و کلارک معتقدند که عوامل موقعیتی و هزینه‌ها و منافع ادراک شده از جرم به عنوان عوامل موثر بر انتخاب اهداف و به طور کلی تصمیم‌های مجرمانه نقش اساسی ایفا می‌کنند (نی‌گین و پاترناستر، ۱۹۹۷: ۴۶۹). کورنیش و کلارک بر این عقیده‌اند که این ویژگی‌های ساختاربندی انتخاب هستند که هزینه‌ها، منافع و انگیزه‌های مجرمان را برای ارتکاب جرم شکل می‌دهند. ساختارهای انتخاب در نظریه انتخاب عقلانی نیز متشکل از فرصت‌ها و منافع و هزینه‌های جرم می‌باشد (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۹۳: ۳۴۰). بنابراین می‌توان ادعا داشت که مطابق با این نظریه رفتار قانون شکنانه زمانی اتفاق می‌افتد که یک مجرم بعد از مد نظر قرار دادن عوامل شخصی (مثل نیاز به پول، انتقام، هیجانات و سرگرمی)، و عوامل وضعیتی (مثل کنترل و لیاقت پلیس محلی)، تصمیم به پذیرش رفتار قانون شکنانه می‌کند (حسینی نثار و فیوضات، ۱۳۸۹: ۳۷). به یک بیان ساده‌تر مفهوم عقلانیت و انتخاب عقلانی در بحث کورنیش و کلارک بر این اساس استوار است که مجرمان بعد از سبک سنگین کردن فرصت‌ها، هزینه‌ها و منافع عمل خویش اقدام به ارتکاب جرم به منظور تامین نیازهایشان می‌کنند که انگیزه‌های مجرم به شمار می‌رود (سانگ و ریشتر، ۲۰۰۷: ۲). بنابراین در نظریه انتخاب عقلانی از یک طرف تاکید بر منافع جرم و از طرف دیگر فرصت‌های جرم است که ترکیب این دو عامل با یکدیگر زمینه‌های وقوع جرم را مهیا می‌سازد. در اینجا به راحتی می‌توان به این ادعای کورنیش و کلارک دست یافت که عقیده دارند جلوگیری از وقوع

جرم تحت نظریه انتخاب عقلانی، بر پایه کاهش فرصت‌ها و جذابیت جرایم خاص است. چرا که نظریه انتخاب عقلانی با تأکید بر ریشه‌های کلاسیک خود مبنی بر اینکه مجرمان برانگیخته به تنهایی برای ارتکاب جرم کافی نیست، بلکه بایستی یک سری فرصت‌ها نیز مهیا باشند. در این صورت است که مجرمان منافع حاصل از جرم را سهل‌الوصول و سودمند دیده و مرتکب جرم می‌شوند (گرت و سانتانا، ۲۰۱۰: ۲۰۴).

با توجه به نقشی که فرصت‌ها در افزایش و کاهش رفتارهای مجرمانه دارد کلارک و می‌هیو (۱۹۸۰)، چهارچوب پیشگیری موقعیتی جرم را برای کاهش فرصت‌هایی که منجر به رفتار مجرمانه می‌شود را مطرح کرده‌اند. چهارچوب پیشگیری موقعیتی از جرم که به طور عمیق در نظریه‌های فعالیت روزمره و انتخاب عقلانی مطرح شده است، پایه‌ای برای سازماندهی استراتژی‌های کاهش جرم و جنایت فراهم می‌کند (همان، ۲۰۵). مدل پیشگیری در نظریه کلاسیک جرم مبتنی بر مدل کیفری بود که در این مدل واکنش در برابر جرم، به شکل مجازات عقلانی و نظام‌مند صورت می‌پذیرفت. ولی در نظریه‌های نئوکلاسیک از جرم بخصوص در نظریه‌های انتخاب عقلانی و نظریه فعالیت‌های روزمره مدل غیرکیفری از پیشگیری مد نظر بوده است. پیشگیری موقعیتی از جرم به عنوان مدلی غیرکیفری برای جلوگیری از وقوع جرایم خصوصاً به واسطه کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم و افزایش میزان خطرات است (زکریایی، ۱۳۸۴: ۵۷). برای کمک به توسعه راهکارهای پیشگیری از جرم، پیشگیری موقعیتی از جرم طبقه بندی‌ای از ۲۵ تکنیک‌های موقعیتی را در داخل ۵ دسته‌بندی مفهومی فراهم آورده است که، قصد یا مکانیسم‌های مداخله را شرح می‌دهد. این پنج دسته‌بندی عبارتند از: (۱) افزودن بر میزان تلاش برای شرکت در رفتارهای مجرمانه، (۲) افزودن بر خطرهای ارتکاب جرم، (۳) کاهش پاداش‌های حاصل از شرکت در رفتار مجرمانه، (۴) روش‌هایی برای کاهش برانگیختگی مجرمان، (۵) و بالاخره روشی برای حذف بهانه‌هایی که مجرمان با استناد به آن‌ها مرتکب جرم می‌شوند (کورنیش و کلارک، ۲۰۰۳: ۴۷-۴۶). با توجه به دلالت‌های سیاستی نظریه انتخاب عقلانی که در قالب چهارچوب پیشگیری موقعیتی از جرم قرار دارد و از سوی فلسون و کلارک (۱۹۹۸)، دسته‌بندی شده است، می‌توان این مدل را برای جمعیت آماری پژوهش حاضر نیز در نظر گرفت. چرا که توجه به شیوع رفتارهای انحرافی در میان دانشجویان قابل توجه می‌باشد. کورنیش و کلارک پیشنهاد می‌کنند که باید فهرست ویژگی‌های ساختاربندی انتخاب را برای انواع جرایم ترسیم نمود. هر فهرست می‌تواند برای طراحی هزینه‌های سنگین‌تر جرم و کاهش جذابیت آن به کار آید. برای ساخت چنین فهرست‌هایی، اطلاعات بیشتری در مورد توزیع

اکولوژیکی جرایم و تصور مجرمان از فرصت‌ها، هزینه‌ها و منافع مورد نیاز است (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۹۳: ۳۴۰). به همین دلیل است که ویژگی‌های ساختاربندی انتخاب نه تنها اطلاعاتی راجع به جرم را فراهم می‌کند، بلکه در مورد مجرم (نیازهایش، اولویت‌هایش، ویژگی‌های شخصیتی و ادراکاتش)، نیز اطلاعاتی در اختیار قرار می‌دهد (علی‌وردی‌نیا و صالح‌نژاد، ۱۳۹۲: ۲۰).

بنابراین با توجه به توضیحات ارائه شده می‌توان ویژگی‌های ساختاربندی انتخاب را برای رفتارهای انحرافی در نظر داشت تا بتوان سیاست‌گذاری‌های لازم را عملیاتی کرد. آنچه نتایج پژوهش حاضر نشان داد این بود که فرصت‌ها و نیاز منفعت‌گرایانه عامل اصلی رفتارهای انحرافی در میان دانشجویان می‌باشد. این دو عامل از طرف دیگر همان ویژگی‌های ساختاربندی انتخاب است که راه‌کاری برای پیش‌گیری از وقوع جرایم و رفتارهای انحرافی عمل می‌کند. کاهش فرصت‌های ارتکاب رفتارهای انحرافی و همچنین راه‌هایی که می‌تواند منجر به کاهش پاداش‌ها و منافع دانشجویان از ارتکاب رفتارهای انحرافی بیانجامد، می‌تواند در جلوگیری از وقوع رفتارهای انحرافی در میان دانشجویان عامل موثری باشند. راه‌کارهای رسیدن به این هدف می‌تواند از طریق انواع بازدارنده‌ها و کنترل‌ها صورت پذیرد. چرا که نظم اجتماعی در صورت وجود یک نظام کنترل اجتماعی موثر امکانپذیر است. نظام کنترل اجتماعی نیز عبارت است از ابزار تامین رفتارهای مردم در کانال‌های مقبول و مورد انتظار جامعه (صدیق سروسستانی، ۱۳۹۰: ۲۲). افزودن بر میزان تلاش دانشجویان برای شرکت در رفتارهای انحرافی، افزودن بر خطرهای ارتکاب رفتارهای انحرافی، کاهش پاداش‌های حاصل از شرکت در رفتارهای انحرافی و بالاخره روشی برای حذف بهانه‌هایی که دانشجویان با استناد به آن‌ها مرتکب جرم می‌شوند می‌تواند نقشی موثر در جلوگیری از وقوع رفتارهای انحرافی در میان دانشجویان داشته باشد.

منابع:

- توکلی، علی و دهکردیان، پریسا (۱۳۹۲). پیش‌بینی اعتیادپذیری دانشجویان بر اساس متغیرهای جمعیت‌شناختی، اهمال کاری تحصیلی و متغیرهای بین فردی. *اعتیاد پژوهی سوء مصرف مواد*، ۷(۲۸)، ۴۱-۲۳.
- حسینی‌نثار، مجید و فیوضات، ابراهیم (۱۳۹۰). *نظریه‌های انحرافات اجتماعی*. تهران: انتشارات پژوهش.
- خامسان، احمد و امیری، محمداصغر (۱۳۹۰). بررسی تقلب در میان دانشجویان دختر و پسر. *اخلاق در علوم و فناوری*، ۶(۱)، ۶۱-۵۳.
- دواس، دی. ای. (۱۳۹۳). پیمایش در تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ نایبی. تهران: نشر نی.
- ذکائی، محمد سعید (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی جوانان ایران*. تهران: انتشارات آگه.
- رابینگتن، ارل و واینبرگ، مارتین (۱۳۹۳). *رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی*. ترجمه رحمت‌اله صدیق سروسستانی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رضایی، علی‌محمد و صنوبری، محمد (۱۳۹۲). نگرش دانشجویان به مواد مخدر: نقش بازدارنده منع قانونی، ممانعت خانواده، عدم دسترسی به مواد و اعتماد به خود. *اعتیاد پژوهی سوء مصرف مواد*، ۷(۲۸)، ۵۸-۴۳.
- سراج‌زاده، حسین و پویافر، محمدرضا (۱۳۸۸). دین و نظم اجتماعی: بررسی رابطه دینداری با احساس آنومی و کجروی در میان نمونه‌ای از دانشجویان. *مسائل اجتماعی ایران*، ۱۶(۶۳)، ۷۱-۱۰۵.
- سراج‌زاده، حسین و فیضی، ایرج (۱۳۸۶). عوامل اجتماعی موثر بر مصرف تریاک و مشروبات الکلی در بین دانشجویان. *نامه علوم اجتماعی*، ۱۱(۳۱)، ۱۰۲-۸۱.
- شمس‌علیزاده، نرگس؛ مقدم، مرضیه؛ محسن‌پور، بهزاد و رستمی، نرگس (۱۳۸۷)، شیوع مصرف مواد در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کردستان. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان*، ۱۳(۲)، ۲۶-۱۸.
- صدیق سروسستانی، رحمت‌اله (۱۳۹۰). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)*. تهران: انتشارات سمت.

- صرامی، حمید؛ قربانی، مجید و تقوی، منصور (۱۳۹۲). بررسی دو دهه تحقیقات شیوع‌شناسی مصرف مواد در بین دانشجویان دانشگاه‌های ایران. *اعتیاد پژوهی سوء مصرف مواد*، ۷(۲۷)، ۳۶-۹.
- طارمیان، فرهاد؛ بواله‌ری، جعفر؛ پیروی، حمید و عسگری، علی (۱۳۹۲). شیوع مصرف مواد در میان دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران. *اعتیاد پژوهی سوء مصرف مواد*، ۷(۲۷)، ۲۱-۱۰.
- علیوردی نیا، اکبر و میرزایی، سمیه (۱۳۹۵). تبیین نگرش دانشجویان نسبت به مصرف الکل از دیدگاه نظریه انتخاب عقلانی. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی ایران*، (زیر چاپ).
- علیوردی نیا، اکبر و همتی، اعظم (۱۳۹۲). تحلیل اجتماعی گرایش به مصرف مشروبات الکلی در میان دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۲(۷)، ۱۰۲-۷۷.
- علیوردی نیا، اکبر و یونسی، عرفان (۱۳۹۳). تأثیر میزان خودکنترلی بر ارتکاب جرم در میان دانشجویان. *راهبرد فرهنگ*، ۷(۲۶)، ۱۱۸-۹۳.
- علیوردی نیا، اکبر (۱۳۸۸). اثربخشی برنامه‌های معتادان گمنام در نگرش معتادان به مواد مخدر. *مطالعات اجتماعی ایران*، شماره ۷، ۱۷۷-۱۴۴.
- علیوردی نیا، اکبر (۱۳۹۳). مطالعه جامعه‌شناختی رفتارهای پرخطر در بین دانشجویان دانشگاه مازندران. *توسعه اجتماعی*، ۷(۳)، ۱۵۴-۱۲۳.
- علیوردی نیا، اکبر؛ ابراهیمی، قربانعلی و صالح نژاد، صالح (۱۳۹۰). بررسی جامعه‌شناختی تأثیر انتخاب‌های عقلانی بر رفتارهای انحرافی: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه ارومیه. *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۱(۵۶)، ۱۶۸-۱۴۳.
- علیوردی نیا، اکبر؛ شارع‌پور، محمود و مرادی، فاطمه (۱۳۹۲). بررسی تأثیر خودکنترلی و پیوند اجتماعی بر نگرش دانشجویان نسبت به مصرف الکل. *مطالعات توسعه اجتماعی فرهنگی*، ۱(۴)، ۹۷-۶۹.
- علیوردی نیا، اکبر؛ شارع‌پور، محمود و رحمانی، سحر (۱۳۹۲). تبیین رفتارهای وندالیستی از دیدگاه نظریه‌های آنومی- فشار: مطالعه دانشجویان دانشگاه مازندران. *مطالعات اجتماعی ایران*، ۷(۴)، ۱۰۹-۸۳.

-
- ورتلی، ریچارد،، مازرول، ال. (۱۳۹۲). جرم‌شناسی محیطی و تحلیل جرم. ترجمه علی افراسیابی. تهران: انتشارات علامت.
 - ویلیامز، فرانک پی،، مک‌شین، ماری‌لین دی. (۱۳۹۳). نظریه‌های جرم‌شناسی. ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی. تهران: نشر میزان.
 - Agnew, R. (1990). The origins of delinquent events: An examination of offender accounts. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 27(3), 267-294.
 - Akers, R. L. (1990). Rational choice, deterrence, and social learning theory in criminology: The path not taken. *The Journal of Criminal Law and Criminology*, 81(3), 653-676.
 - Aliverdinia, A., & Pridemore, W. A. (2007). A First Glimpse at Narcotics Offenders in an Islamic Republic A Test of an Integrated Model of Drug Involvement Among a Sample of Men Incarcerated for Drug Offenses in Iran. *International Criminal Justice Review*, 17(1), 27-44.
 - Bachman, R., Paternoster, R., & Ward, S. (1992). The rationality of sexual offending: Testing a deterrence/rational choice conception of sexual assault. *Law and Society Review*, 26(2), 343-372.
 - Baker, D. (2015). Mass higher education and the super research university. *International Higher Education*, 1(49).9-11.
 - Baker, T., & Piquero, A. R. (2010). Assessing the perceived benefits—criminal offending relationship. *Journal of Criminal Justice*, 38(5), 981-987.
 - Becker, R., & Mehlkop, G. (2006). Social Class and Delinquency An Empirical Utilization of Rational Choice Theory with Cross-Sectional Data of the 1990 and 2000 German General Population Surveys (ALLBUS). *Rationality and Society*, 18(2), 193-235.
 - Bohm, R. M., & Vogel, B. (2010). *A primer on crime and delinquency theory*. Cengage Learning.
 - Bouffard, J. A. (2007). Predicting differences in the perceived relevance of crime's costs and benefits in a test of rational choice theory. *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, 51(4), 461-485.
 - Boysen, C. J. (2007). Teachers and cheating: The relationship between the classroom environment and high school student cheating. (Doctoral dissertation, Loyola Marymount University).

- Bruinsma, G., & Weisburd, D. (Eds.). (2014). *Encyclopedia of Criminology and Criminal Justice*. Springer.
- Cherry, A. (1993). Combining Cluster and Discriminant Analysis to Develop a Social Bond Topology of Runaway Youth. *Research on Social Work Practice*, 3(2), 175-190.
- Christo, G., & Franey, C. (1995). Drug users' spiritual beliefs, locus of control and the disease concept in relation to Narcotics Anonymous attendance and six-month outcomes. *Drug and Alcohol Dependence*, 38(1), 51-56.
- Clarke, R. V. G. (Ed.). (1997). *Situational crime prevention* (pp. 53-70). Monsey, NY: Criminal Justice Press.
- Clarke, R. V. G., & Felson, M. (Eds.). (1993). *Routine activity and rational choice* (Vol. 5). Transaction Publishers.
- Cornish, D. B., & Clarke, R. V. (2003). Opportunities, precipitators and criminal decisions: A reply to Wortley's critique of situational crime prevention. *Crime Prevention Studies*, 1(16), 41-96.
- Dornbusch, S. M., Erickson, K. G., Laird, J., & Wong, C. A. (2001). The relation of family and school attachment to adolescent deviance in diverse groups and communities. *Journal of Adolescent Research*, 16(4), 396-422.
- Durkin, K. F., Wolfe, T. W., & Clark, G. (1999). Social bond theory and binge drinking among college students: A multivariate analysis. *College Student Journal*, 33, 450-462.
- Felson, M., & Clarke, R. V. G. (1998). *Opportunity makes the thief: Practical theory for crime prevention* (Vol. 98). London: Home Office, Policing and Reducing Crime Unit, Research, Development and Statistics Director.
- Ford, J. A., & Blumenstein, L. (2012). Self-control and substance use among college students. *Journal of Drug Issues*, 43(1) 56-68.
- Gibson, C., Schreck, C. J., & Miller, J. M. (2004). Binge drinking and negative alcohol-related behaviors: A test of self-control theory. *Journal of Criminal Justice*, 32(5), 411-420.
- Goode, E., & Ben-Yehuda, N. (2010). *Moral panics: The social construction of deviance*. John Wiley & Sons.
- Guerette, R. T., & Santana, S. A. (2010). Explaining Victim Self-Protective Behavior Effects on Crime Incident Outcomes A Test of Opportunity Theory. *Crime & Delinquency*, 56(2), 198-226.

-
- Higgins, G. E., & Ricketts, M. L. (2004). Motivation or opportunity: Which serves as the best mediator in self-control theory. *Western Criminology Review*, 5(2), 77-96.
 - Higgins, G. E., & Ricketts, M. L. (2004). Motivation or opportunity: Which serves as the best mediator in self-control theory. *Western Criminology Review*, 5(2), 77-96.
 - Krohn, M. D., Lizotte, A. J., & Hall, G. P. (Eds.). (2010). *Handbook on crime and deviance*. Springer Science & Business Media.
 - Lagrange, T. C., & Silverman, R. A. (1999). Low self-control and opportunity: Testing the general theory of crime as an explanation for gender differences in delinquency. *Criminology*, 37(1), 41-72.
 - Li, H., Zhang, J., & Sarathy, R. (2010). Understanding compliance with internet use policy from the perspective of rational choice theory. *Decision Support Systems*, 48(4), 635-645.
 - Longshore, D. (1998). Self-control and criminal opportunity: A prospective test of the general theory of crime. *Social Problems-New York*, 45(5), 102-113.
 - Matsueda, R. L., Kreager, D. A., & Huizinga, D. (2006). Detering delinquents: A rational choice model of theft and violence. *American Sociological Review*, 71(1), 95-122.
 - McLaughlin, E., & Muncie, J. (Eds.). (2012). *The Sage dictionary of criminology*. Sage.
 - McMullen, J. C. (1999). A Test of Low Self-control Theory Using General Patterns of Deviance (Doctoral dissertation, Virginia Polytechnic Institute).
 - Mehlkop, G., & Graeff, P. (2010). Modelling a rational choice theory of criminal action: Subjective expected utilities, norms, and interactions. *Rationality and Society*, 22(2), 189-222.
 - Meneses, R. A., & Akers, R. L. (2011). A comparison of four general theories of crime and deviance marijuana use among American and Bolivian university students. *International Criminal Justice Review*, 21(4), 333-352.
 - Nagin, D. S., & Paternoster, R. (1993). Enduring individual differences and rational choice theories of crime. *Law and Society Review*, 5 (27), 467-496.
 - Norlander, T., Nordmarker, A., & Archer, T. (1998). Effects of alcohol and frustration on experimental graffiti. *Scandinavian Journal of Psychology*, 39(4), 201-207.

- Özbay, Ö., & Özcan, Y. Z. (2006). A test of Hirschi's social bonding theory juvenile delinquency in the high schools of Ankara, Turkey. *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, 50(6), 711-726.
- Paternoster, R. (1989). Decisions to participate in and desist from four types of common delinquency: Deterrence and the rational choice perspective. *Law and Society Review*, 1(23), 7-40.
- Paternoster, R., & Pogarsky, G. (2009). Rational choice, agency and thoughtfully reflective decision making: The short and long-term consequences of making good choices. *Journal of Quantitative Criminology*, 25(2), 103-127.
- Paternoster, R., & Simpson, S. (1996). Sanction threats and appeals to morality: Testing a rational choice model of corporate crime. *Law and Society Review*, 3(30), 549-583.
- Sattler, S., Graeff, P., & Willen, S. (2013). Explaining the decision to plagiarize: an empirical test of the interplay between rationality, norms, and opportunity. *Deviant Behavior*, 34(6), 444-463.
- Seipel, C., & Eifler, S. (2008). Opportunities, rational choice, and self-control: On the interaction of person and situation in a general theory of crime. *Crime & Delinquency*. 56(2), 167-197.
- Shoemaker, D. J. (2009). *Theories of delinquency: An examination of explanations of delinquent behavior*. Oxford University Press. Chic
- Siegel, L. J., & McCormick, C. R. (2006). *Criminology in Canada: Theories, patterns, and typologies*. Toronto, ON: Thomson Nelson.
- Silver, E., & Abell, L. (2016). Beyond Harm and Fairness: A Study of Deviance and Morality. *Deviant Behavior*, 37(5), 496-508.
- Sun, I. Y., & Longazel, J. G. (2008). College students' alcohol-related problems: A test of competing theories. *Journal of Criminal Justice*, 36(6), 554-562.
- Sung, H. E., & Richter, L. (2007). Rational choice and environmental deterrence in the retention of mandated drug abuse treatment clients. *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*. 22(2), 1-17.
- Tibbetts, S. G., & Myers, D. L. (1999). Low self-control, rational choice, and student test cheating. *American Journal of Criminal Justice*, 23(2), 179-200.
- Tittle, C. (2000). Theoretical developments in criminology. *Criminal Justice*, 1, 51-101.

- Tittle, C. R., Ward, D. A., & Grasmick, H. G. (2003). Self-control and crime/deviance: Cognitive vs. behavioral measures. *Journal of Quantitative Criminology*, 19(4), 333-365.
- Vito, G. F., Maahs, J. R., & Holmes, R. M. (2005). *Criminology: Theory, Research, and Policy*. Jones & Bartlett Learning.
- Walsh, A., & Hemmens, C. (2010). *Introduction to criminology: A text/reader*. Sage.
- Wright, B. R., Caspi, A., Moffitt, T. E., & Paternoster, R. (2004). Does the perceived risk of punishment deter criminally prone individuals? Rational choice, self-control, and crime. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 41(2), 180-213.